

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۰۵ مارچ ۲۰۲۰

سیاست میلیتاریسم جهان غرب برای پیشگیری از «غروب غرب»

در فبروری ۲۰۲۰ پنجاه و ششمین اجلاس «کنفرانس امنیتی مونیخ» با شرکت ۴۰ نفر از رهبران و رؤسای دولت به همراه ۱۰۰ نفر از وزرای امور خارجه و دفاع و صدها تن دیگر از مقامات بلندپایه غیردولتی، که دستی در سیاست و اقتصاد جهانی دارند، برگزار شد.

تفاوت این اجلاس با اجلاس های سال های گذشته در محتوای گزارشی بود که به کنفرانس ارائه گردید. در آنجا از «غروب غرب» سخن رفته است. اوضاع جهانی به سرعت در حال تغییر است، جهان تک قطبی، که بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، به وجود آمد، جهان غرب را به رهبری امریکا به قدرت بلامنازع جهان تبدیل ساخت، امریکا می رفت تا با قدرت اقتصادی و نظامی خود نه تنها بر جهان غرب که بر جهان شرق فروپاشیده تسلط پیدا کند، اما دیری نپایید که دو کشور قدرتمند روسیه و چین توانستند در زیر سایه جهان تک قطبی و هژمونی امریکا سردرآورند و امروز جهان غرب را به دشواری جدی بکشانند. «امانوئل ماکرون»، رئیس جمهور فرانسه، اذعان دارد که «ما از قرن ۱۸ میلادی به یک نظام بین المللی عادت کرده بودیم که بر پایه هژمونی غربی استوار بود». این می رساند که جهان به سوی جابه جایی قدرت طی طریق می کند. امپریالیسم امریکا در حال ضعیف شدن است؛ اقتصاد امریکا دیگر از آن قدرت و اهمیت جهانی برخوردار نیست؛ زیر ساخت های امریکا فرسوده شده اند؛ تکنولوژی این کشور هم از لحاظ تطابق زمانی و هم از لحاظ رقابت با تکنولوژی اروپایی ها در حال عقب افتادن است؛ به لحاظ نظامی، اگرچه هنوز بزرگترین قدرت نظامی برتر جهان محسوب می شود، ولی رشد و پیشرفت رقبای قدرتمندی مانند روسیه و چین می توانند در آینده امریکا و اروپا را به مشکل بیندازند. روشن است که این تغییر و تحولات ملموس و قابل رؤیت به نقش امپریالیسم امریکا به مثابه «پلیس جهانی» ضربه مهلکی وارد آورده است. هیأت حاکمه امریکا خوب می داند که این نقش را نمی تواند با توجه به تحولات جاری در جهان در درازمدت ایفاء کند. «ابشنگر» در کنفرانس مطبوعاتی خود، در حاشیه کنفرانس امنیتی مونیخ، به این مسأله چنین اشاره می کند: «پس از آن که ایالات متحده امریکا نقش خود را به عنوان پلیس جهانی کنار نهاد، از غربی شدن جهان کاسته شد و تسلط غرب بر صحنه جهانی رو به کاهش است. اکنون اروپایی ها باید شکاف «فقدان غرب» را پُر کنند...»/

پرسش اصلی این است که آیا اروپائیان می توانند چنین نقشی را برعهده بگیرند؟ پر واضح است هنگامی که از اروپا صحبت به میان می آید، منظور المان است. در سال ۲۰۱۴ رئیس جمهور المان Joachim Gauck در کنفرانس امنیت

مونخ تأکید داشت که «المان باید نقش محکمی در جهان داشته باشد. هدف باید این باشد که بدون هیچ اما و اگر قدرت المان، نه تنها قدرت اقتصادی، بلکه قدرت نظامی نیز در خدمت اتحادیه اروپا و ناتو گذاشته شود». ببینیم وزیر دفاع المان در این زمینه چه می‌گوید: «المان مجبور بود از نظر سیاست خارجی، توسعه ارتش و تسلیحات با فرانسه بیشتر همکاری کند. ما باید کاری کنیم که اروپا بیشتر قادر به عمل باشد، تا اتحادیه اروپا بتواند منافع اروپائی معتبر را، سریع‌تر و مصمم‌تر تصویب کند، در غیر اینصورت ما همه با هم از پای در خواهیم آمد.... ما می‌گوئیم: ما همه با هم به زانو درمی‌آنیم، با جنگ‌های بیشتر و با هزینه‌های تسلیحاتی بیشتر». این هراس وزیر دفاع المان چندان از واقعیت به دور نیست. هزینه‌های نظامی کشورهای ناتو بالغ است بر هزار میلیارد دلار، یعنی ۱۶،۵ برابر بیشتر از هزینه‌های نظامی روسیه و چهار برابر بیشتر از چین.

سیاست میلیتاریسم جهان غرب برای پیش‌گیری از «غروب غرب» باعث خواهد شد تا جهان به پای یک جنگ خانمانسوز دیگر کشانده شود و بار تحمل سنگین هزینه‌های نظامی بر دوش کارگران و زحمتکشان جهان انداخته شود. تنها بخش اندکی از این بودجه‌های نظامی کافی می‌بود تا اعتبارهای ضروری، برای کلیه اقدامات لازم برای جلوگیری از فاجعه محیط زیست، آموزش، بهداشت، تغذیه سالم تأمین گردد.

اما واقعیت این است که سران بلندپایه جهان در قالب «کنفرانس امنیتی مونخ» به دور هم جمع می‌شوند، نه برای حل بحران‌ها و مناقشات منطقه‌ای و از این طریق تأمین امنیت جهانی، هدف توسعه میلیتاریسم، افزایش بودجه‌های نظامی، تثبیت و تحکیم پیمان‌های نظامی و حضور نظامی جهان غرب در سراسر جهان است؛ برای حفظ و تأمین منافع خود و تسلط نظامی «غرب» بر شرق.

طرح «غروب غرب» نباید توجیه گر رویکرد میلیتاریستی جهان غرب به سرکردگی امریکا باشد. واقعیت‌های دنیای کنونی برخاسته از ماهیت طبقاتی نظام امپریالیستی غرب و در رأس آن امریکا و تلاش برای اعمال هژمونی بر رقبای تازه نفس امپریالیستی شرق است. وظیفه روشنفکران جهان این است که این حقایق را از پس «دموکراسی» های دروغین بیرون بکشند، آنها را برجسته کنند و به مردم نشان دهند، تا ماهیت جنگ‌خوئی امپریالیست‌ها و در شرایط مشخص کنونی، جنگ‌طلبی امپریالیسم امریکا بر آنها روشن شود.